

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

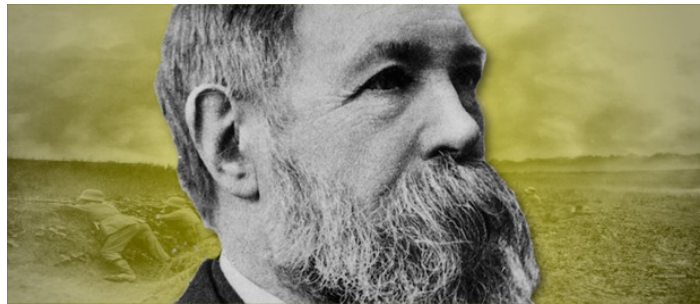
سیاسی

برگردان و نگارش: ا. م. شیری
۱۴ اپریل ۲۰۲۳

مدیریت جمعیت، آخرین ابزار دفاعی نظام سرمایه‌داری



گوستاو لویون، جامعه‌شناس و روان‌شناس فرانسوی، در پایان قرن نوزدهم خواستار مطالعه روان‌شناسی جمعیت و توانایی کنترل رفتار آن شد. او این توانایی را آخرین ابزار دفاع از نظام سرمایه‌داری نامید. انسان‌ها در میان ازدحام جمعیت تعقل نمی‌کنند، برده‌وار تسلیم احساسات می‌شوند و به این دلیل لویون گفت تلقین، ایجاد تصاویر، همپیوندی‌های احساسی و استفاده از حالات عاطفی ضروری است. او در کتاب «روانشناسی ازدحام و توده‌ها» تأکید کرد که اصلی‌ترین مسأله، توانایی «فریب دادن جمعیت» است و این به کمک مفاهیمی به دست می‌آید که «بی‌تعین‌ترین معنای» مثلاً، آزادی انتزاعی، دموکراسی، انتخابات عادلانه و غیره را دارند. به عبارت دیگر، برای هر آنچه خوب است و در برابر هر آنچه بد است. اما اغلب در برابر همه چیز بد است.



ولادیمیر لنین «تحریک احساسات زشت توده‌های ناگاه» را به معنای تلاش‌های دولت تزاری برای الهام بخشیدن به گروه‌های شوونیست و تشجیع آن‌ها به قتل‌عام و ضرب و شتم نامید. میخائیل ریسنر، یکی از اولین محققان اتحاد شوروی در زمینه مسائل روانشناسی اجتماعی، در اثر خود با عنوان «مشکلات روانشناسی اجتماعی» نوشت: «دیکتاتورهای مرتجع امروزی مانند کاری که ناپلئون بناپارت در فرانسه انجام داد، اکنون به دنبال سازماندهی تفاله‌های لومین پرولتاریا، اوباش، جنایتکاران و انواع کولوکس‌کلان‌ها به عنوان پیشاهنگ مسلح فاشیسم هستند».

تاریخ نمونه‌های متعددی از استفاده از نیروهای ارتجاعی از روان‌شناسی ازدحام به یاد دارد. به عنوان مثال، رویدادهای آلمان نازی، اقدامات ضدانقلابی در چکسلواکی و هنگری (پاییز خونین هنگری و بهار پراگ)، «انقلاب‌های رنگی» متعدد در طول دوره نابودی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و سال‌های پس از آن، تنها چند نمونه از استفاده از روان‌شناسی ازدحام هستند.

افراد غیرعادی که توسط رسانه‌های بورژوازی پردازش می‌شوند، عادت دارند با احساساتی که به آن‌ها تلقین می‌شود، زندگی کنند. تحریک آن‌ها با احساسات ناسیونالیستی، شوونیستی و سایر احساسات مخرب، کار دشواری نیست. روانشناسی اجتماعی بورژوائی، در خدمت نیازهای طبقه حاکم، ابزارهایی را فراهم می‌کند که سازمان‌های سیاسی مرتجع و گروه‌های ذینفع به طور گسترده از بخش ناگاه جمعیت و لومین پرولتاریا برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.



Словарь иностранных слов под редакцией И.В. Лехина и проф. Ф.Н.Петрова Государственное издательство иностранных и национальных словарей. Москва -1949

(нем. Lumpenproletariat) — в капиталистических странах деклассированные, опустившиеся люди, «пассивный продукт гниения самых низших слоев старого общества». (Маркс и Энгельс).

Люмпен-пролетариат часто является орудием реакции.

احساسات غلیان می‌کند، افکار عمومی به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد، فنون تحریف و شست و شوی مغزی فعالانه به کار می‌افتد و دژ آشفستگی جمعی ایجاد می‌شود.

روانشناسی اجتماعی مارکسیستی، ازدحام تحریف شده را به عنوان یک پدیده اجتماعی سالم طبقه‌بندی نمی‌کند. مجموعه تصادفی افرادی که اشتراک غیراصولی و ناخودآگاه آن‌ها مبتنی بر احساسات در رابطه با برخی افراد، رویدادها، اطلاعات است، نمی‌تواند نیروی محرکه تحولات اجتماعی مثبت باشد. گوسفندان مات و مبهوت، که در یک گله در کنار هم جمع شده‌اند، فقط می‌توانند با ترس همه‌گیر به ورطه بپردازند.

همسان سازی مفهوم «ازدحام» با مفاهیم «مردم»، «توده‌ها» و نیز معرفی کنش ازدحام به عنوان خواست مردم به عنوان اقدامات انقلابی، یک فریب هیولائی و جایگزینی مفاهیم است. یک تجمع لخت، بی‌تفاوت، و غیرمعمول، هیچ وجه مشترکی با فعالیت خلاقانه، آگاهانه و واقعاً انقلابی توده‌ها ندارد و نمی‌تواند داشته باشد.

منبع: اینجا

۲۴ فروردین- حمل ۱۴۰۲